

کارایی و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایل محور؛ دربازسازی معنایی فضای رسانه‌های نوین

ناهید سعادت سیرت^۱

چکیده

شبکه‌های اجتماعی موبایلی به لحاظ ویژگی‌هایی که دارند، می‌توانند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای کاربران ایجاد کنند که این امر کارکرد و کژکارکرد این شبکه‌ها را در بازسازی معنا تعیین می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش کیفی باتکنیک م صاحب‌نیمه ساخت یافته انجام شد. جمعیت آماری پژوهش شامل صاحب‌نظران رسانه بود که با ۲۰ نفر صاحب‌نظر عمیق و به صورت نمونه‌گیری هدفمند تارسیدن به اشباع نظری صورت گرفت. محقق از یافته‌ها به این نتیجه رسید که شبکه‌های اجتماعی موبایلی دارای کارکردهایی چون؛ انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی، تقویت شبکه‌ها و شبکه‌سازی، انبوه خلق مجازی، تقویت ارتباطات میان فردی، بسیج‌سازی، آموزش، تبلیغات، شفاف‌سازی، جریان‌سازی، کمپین‌سازی، سنجش افکار عمومی، آگاهی‌بخشی، جایگزین رسانه‌های رسمی، تولید دانش مدنی، تقویت قدرت اجتماعی و ظرفیت‌هایی چون؛ جریان آزاد اطلاعات، تنوع و کثرت کاربران و کژکارکردهای چون؛ افشاگری، اخبار منفی و شایعه‌سازی، همبستگی اجتماعی کاذب، حباب گفتگو، خودنمایی و ارائه اعتیاد به فضای مجازی، تخریب فضای عمومی، همبستگی اجتماعی کاذب و چالش‌هایی چون؛ سیاست فیلترینگ، غلبه رویکرد احساسی، اعتیاد مجازی، کلاهبرداری، ترس از کنترل حاکمیت، غلبه حاشیه بر متن است که بازسازی معنایی جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی را بوجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی موبایل محور، ظرفیت‌ها، کارکردها،

کژکارکردها، بازسازی معنایی.

^۱ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران (نویسنده مسئول).

مقدمه

جامعه اطلاعاتی را جامعه‌ای می‌دانند که در آن دسترسی به اطلاعات افزایش یافته و اطلاعات اهمیت زیادی در زندگی روزمره پیدا کرده است و سبب تغییراتی در ساختارهای زندگی شده است (معمدنژاد، ۱۳۸۴:۲۱). کاستلز و همکارانش در کتاب «ارتباطات موبایل سیار و جامعه» با تأکید بر نظریه جامعه شبکه‌ای برای این باور هستند که: «امکانات شبکه اجتماعی موبایلی به روند شبکه‌سازی جامعه کمک می‌کند و باعث تحولات و تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌شود. این فناوری‌ها شیوه جدیدی از تعامل اجتماعی و کنش بین اعضای جامعه را پدیدار می‌کند. فضای جریان‌ها و زمان بی‌زمان را در زندگی تقویت می‌کند. با تغییر زمان و مکان روند تعاملات اجتماعی را تغییر می‌دهد، ساختارها را بازنگری می‌کند، مردم به ویژه جوانان را قوی می‌سازد و به لحاظ فرهنگی حریم خصوصی و عمومی تعریف جدیدی می‌یابد و هویت فردی و جمعی خاصی را بین کاربران به ویژه جوانان به وجود می‌آورد زیرا آنها بازتعریفی از ساختارهای جامعه می‌دهند (castells&et,al,2006:p-172). روند آماری را می‌توان در ضریب نفوذ تلفن همراه هوشمند و اینترنت همراه به عنوان ابزارهای مورد استفاده برای شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و نرم افزارهای پیام‌رسان موبایلی دید. این امر زمانی حائز اهمیت می‌شود که نرخ نفوذ تلفن همراه سلولی جدید (هوشمند) در بین اعضای جامعه بسیار بیشتر و سریع‌تر از رایانه‌های متصل به اینترنت است. واژه رسانه‌های اجتماعی به معنای امروزی آن برای نخستین بار در جولای ۲۰۰۶ توسط کریس شیپلی مطرح شد. این واژه قبل‌تر از آن توسط دارل بری در سال ۱۹۹۵ و تینا شارکی در سال ۱۹۹۷ برای تشریح جامعه جدید مبتنی بر اینترنت استفاده شده بود (Putnam,2000:p-170).

در یک تعریف کاربردی می‌توان بیان داشت که رسانه‌های اجتماعی محصول وب ۲ هستند، بیانگر امکانات و تجهیزات آنلاینی هستند، که مردم از آن برای

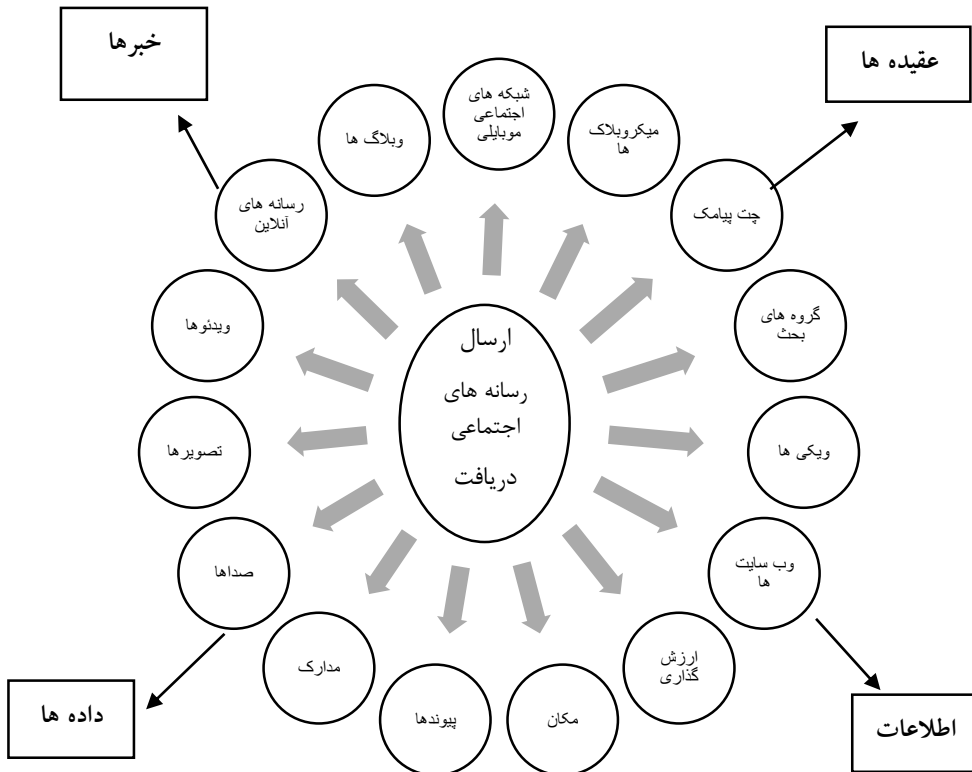
²Chris Shipley

³Darrell Berry

⁴Tina Sharki

اشتراک گذاری محتوا، پروفایل‌ها، نظرات، دیدگاه‌ها، تجربیات و افکار استفاده می‌کنند. روابط در این رسانه‌ها تعاملی و تولید محتوا مشارکتی است. این امکانات شامل اتاق‌ها و اجتماعات مجازی، بلاگ‌ها و میکرو بلاگ‌ها، تابلوهای اعلانات پیام، ویکی‌ها، سایت‌های شبکه اجتماعی، پادکست و ویدئوکست است. در خصوص طبقه‌بندی رسانه‌های اجتماعی نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد ولی بهترین طبقه‌بندی مختص مارسل برنت^۵ است. مارسل برنت در کتاب رسانه‌های اجتماعی و کسب و کار رسانه‌ای که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد چهار گونه اصلی برای رسانه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. رسانه‌هایی که عقاید و باورها را انتشار می‌دهند، رسانه‌هایی که کار ویژه آن انتشار اخبار و رویدادهای روز است، رسانه‌هایی که اطلاعات فرایندمدار و آنهایی که بیشتر جنبه پاداش آتی دارند و در نهایت رسانه‌هایی که داده‌ها را منتشر می‌کنند. وی براساس این دسته بندی به ترسیم نمودار زیر پرداخته است:

⁵Marcel Brent



شکل شماره ۱- گونه شناسی رسانه های اجتماعی (برگرفته از بصیریان، خانیکی و

ذکایی، ۱۳۹۲: ۱۲)

بنابراین پرکاربردترین این رسانه ها را می توان در هشت دسته به صورت خلاصه معرفی کرد. شبکه های اجتماعی، وبلاگ ها، ویکی ها، پادکست ها، فروم ها، کامیونیتی های محتوایی، میکرو بلاگ ها و نرم افزارهای موبایلی، هشت نوع رسانه اجتماعی هستند. شبکه های اجتماعی به اعضایشان اجازه ساخت صفحات شخصی و برقراری ارتباط و شبکه سازی دوستان آنلاین را می دهند. در واقع کارایی و چالش های

شبکه‌های اجتماعی موبایل محور دربارسازی معنایی فضای رسانه‌های مجازی از طریق پاسخگویی به پرسش‌های ذیل امکان پذیر می‌شود:

- کارکرد و کژکارکردهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی چیست؟
- ظرفیت و کارایی شبکه‌های اجتماعی موبایلی چیست؟
- چالش‌های پیش روی شبکه‌های اجتماعی موبایلی چیست؟
- کارایی و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی دربارسازی معنا چگونه

است؟

پرسش‌های فوق را می‌توان در ذیل رویکرد نظری یورگن هابرماس (۲۰۰۰) و بری ولمن (۲۰۱۲) که به مطالعه حوزه عمومی و جامعه شبکه‌ای می‌پردازند، قرار داد. به لحاظ تاریخی اگرچه نقطه آغاز فعالیت پیام رسانی فوری به دهه ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد، ولی پیام رسانی فوری اینترنتی و مدرن با واسط کاربری گرافیکی امروزی در سال ۱۹۹۵ با برنامه AIM & ICOPow, wow آغاز شد. تلفن همراه هوشمند شرکت‌های بزرگ با تعیین استاندارد و تصویب پروتکل به طراحی نرم افزارهایی پرداختند که امکان ارسال متن، صدا، تصویر کنفرانس، رادیوهای اینترنتی و تلویزیون‌های اینترنتی را به مخاطب می‌دهد. «به جای تمرکز بر نقش افزایشی و کاهش‌ی اینترنت در تعاملات اجتماعی و میان فردی؛ می‌توان بیان کرد که اینترنت به روش‌های سنتی ارتباطات افزوده می‌شود و آن را حمایت می‌کند. همین امر برای مشارکت سیاسی نیز صادق است. شبکه‌های اجتماعی موبایلی مکمل روش‌های سنتی مشارکت (به عنوان مثال، ارسال ویدئوها از برنامه‌های تبلیغاتی آنلاین) و رسانه‌ای برای ارائه محتوا برای کسانی است که فرصت حضور در فضای آفلاین را ندارند مهیا می‌سازد. (برای نمونه استفاده از وبلاگ‌های افراد ذی نفوذ در سیاست برای کسب اطلاعات مسائل سیاسی). علاوه بر این شکل‌های بسیاری از مشارکت به طور سنتی «آفلاین» به عنوان مثال اهداء به یک کمپین یا امضای پرونده) اکنون ممکن است به صورت آنلاین انجام شود. به همین دلیل اینترنت و شبکه‌های موبایلی مکمل فضای واقعی انسان هاست» (wellman et al, 2001, p-440).

ادبیات تحقیق

مروری بر پژوهش‌های پیشین

در این بخش با بررسی نظریات مرتبط با موضوع تحقیق تلاش می‌کنیم چارچوبی منطقی و نظری برای انجام این پژوهش ارائه شود و مطالعاتی را در ارتباط با موضوع کارکردها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی در بازسازی معنا را مرور می‌کنیم. در این راستا نظریه ولمن به جامعه شبکه‌ای شده (۲۰۱۲)، انقلاب سه گانه (۲۰۱۲-۱۹۹۶)، فردگرایی شبکه‌ای شده (۲۰۱۲) و نقش تکمیلی اینترنت (۲۰۰۱) اینگونه بیان می‌شود که جامعه شبکه‌ای شده مبتنی بر شبکه‌هاست که آن اجتماع کلاسیک را با روابط طولی و هرمی به روابط عرضی، شبکه‌ای و ارتباطات عمودی در آن به ارتباطات افقی و شبکه‌ای شده تغییر می‌دهد. با تقویت تعاملات و قوی‌تر شدن پیوند بین افراد در جامعه مدنی شبکه‌ای شده، این شبکه‌ها با اتصال با یکدیگر در گذر زمان تبدیل به یک شبکه واحد، منسجم و همه‌گیر (شبکه‌ای از شبکه‌ها) می‌شوند. انقلاب حاصل از تلفیق شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و تلفن همراه هوشمند، باعث تقویت پیوندهای ضعیف بین نهادهای مدنی پراکنده و ایجاد شبکه‌های اجتماعی می‌شود. از تحولات این دوره شبکه‌سازی و تقویت این شبکه‌ها در دنیای واقعی و مجازی است. عاملیت اجتماعی بر مبنای توانمندی که شبکه‌ها به افراد می‌دهند فعال می‌شود. کنشگران فعال از طریق شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها خود به صورت مجزا و منفرد از دیگران نیز می‌توانند تعامل با سایر کاربران داشته باشند. حتی کنشگر اگر از رسانه‌های جدید استفاده نکند متأثر از تأثیرات این فضا در میان کاربران است. نظریه هابرماس در خصوص اینترنت، حوزه عمومی و گفتگو (۱۹۹۴) و مدیریت اطلاعات (۱۹۹۶) اینگونه است که شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای ظهور و تجلی گفتگو است.

وبلاگ‌ها که شناخته شده ترین نوع رسانه‌های اجتماعی هستند ژورنال‌های آنلاین هستند که با محتواهای جدید کاربران به روز می‌شوند. ویکی‌ها، سایت‌هایی هستند که به کاربران اجازه اضافه کردن و ویرایش محتوا را می‌دهند و محتوای تولید شده شبکه‌های موبایلی حاصل مشارکت اعضاست (myfield&Antony,200).

«یورگن هابرماس» فیلسوف متأخر مکتب فرانکفورت از جمله اندیشمندان است که مرکزیت بحث وی حوزه عمومی است. حوزه عمومی در واقع عرصه‌ای است که در آن گفتگو و استدلال منطقی برای رسیدن به یک تفاهم و توافق ارتباطی و اخلاقی انجام می‌شود. حوزه‌ای که فارغ از ساختار قدرت و ثروت عمل می‌کند. (هابرماس، ۱۳۹۲، ص ۲۱) این حوزه عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی متضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند در خارج از این حوزه یعنی عرصه قدرت مدعی شناخت بهتر و صلاح جامعه باشد (فریز ۱۳۸۲: ۳۴).

هابرماس با خلق نظریه کنش ارتباطی در صدد احیای حوزه عمومی است. حوزه عمومی در جایی شکل می‌گیرد که امکان ایجاد وضعیت ایده‌آل کلامی یا گفت‌وگوی فارغ از هرگونه اجبار باشد (out Waite, 2000, p-179). در دیدگاه هابرماس سه گونه کنش به صورت کنش ابزاری، استراتژیک و ارتباطی وجود دارد. کنش ابزاری غیر اجتماعی و با هدف سلطه بر طبیعت است که مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. کنش ارتباطی نیز دارای موقعیت اجتماعی است اما ابزار گرایانه و نیازمند تصمیم‌گیری هدفمند ابزاری است. کنش ارتباطی نیز دارای موقعیت اجتماعی است اما بر اساس تفاهم بین ال‌ذهانی بدون زور و بر اساس میزان گسترش اجتماع، تفاهم و ارتباطات است (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۰).

به عقیده هابرماس گفت‌وگو در حوزه عمومی هنگامی نقش‌رهایی بخش ایفا خواهد کرد که شرایط خاصی در این فضا برقرار باشد. این شرایط باید شکل و محتوای گفتگو در فضای عقلانی- انتقادی باشد. در حوزه عمومی تنها درباره موضوعات مدنی مشترک بین شهروندان باید گفتگو شود. در این فضای مجازی طرح موضوعات خصوصی جایز نیست لذا شرکت‌کنندگان باید همه تفاوت‌ها و تمایزات خود را نادیده بگیرند و همچون افراد برابر در گفتگو مشارکت نمایند. فرایند گفتگو محدود به افکار عمومی است و هرگز نمی‌تواند به تصمیم‌سازی‌های عملی و ارادی منتهی شود (میناوند، ۱۳۸۵: ۱۲۵). با پدید آمدن شبکه‌های اجتماعی موبایلی، این فضا کارکرد کسب اطلاعات و سرگرمی خود را در ارتباطات بین فردی تغییر داد؛ به گونه‌ای که

کاربر به جای دریافت منفعلانه اطلاعات، خود در تولید محتوا مشارکت می‌کند، بدون اینکه برای این کار به دانش و مهارت فنی نیاز داشته باشند. (wang,2010: p-12) همچنین این شبکه‌ها به کاربر این امکان را می‌دهد که با ارتباط گیری و تعامل، شبکه‌ای وسیع در گستره جهانی به تولید و اشتراک گذاری محتوا بین افراد آشنا و ناآشنا پردازند. شبکه‌های اجتماعی موبایلی ظرفیتی در فضای مجازی است که میلیون‌ها نفر عضو آن هستند و بخش قابل توجهی از وقت روزانه خود را در آن می‌گذرانند. این شبکه‌ها گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی دارند و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد را می‌دهند (marshal,2015: p-38). در این ارتباط نظریه جایگزینی معتقد به تأثیر منفی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موبایلی است. این رویکرد مبنای خود را بر جایگزینی ارتباطات دیجیتال بر ارتباطات میان فردی در زندگی واقعی می‌گذارند و بر معایب این امر می‌پردازند. این نظریه معتقد است که هرچقدر وقتمان را در فضای مجازی سپری کنیم به همان اندازه از فضای واقعی دور می‌شویم. با این نگاه افراد به دلیل حضور بیش از اندازه در فضای مجازی ناتوان از حضور واقعی در مشارکت هستند و این امر تأثیر منفی بر مشارکت آنها دارد (putnam,2000:p-8). آنها برای ادعای خود سه دلیل دارند. دلیل نخست؛ استفاده زیاد از اینترنت باعث می‌شود افراد وقت کافی برای فعالیت‌های دیگر نداشته باشند. دلیل دوم؛ بر جایگزین و تعاملات اجتماعی واقعی برمی‌گردد. نای^۶ و اربرینگ^۷ معتقدند که ماهیت شبکه‌های موبایلی فعالیت فردی محسوب می‌شود و احتمال تقویت هر مشارکتی توسط شبکه‌های موبایلی محدود و کم است (Norris,2002,p-3). دلیل سوم؛ که در نظریه ارتباطات انسانی به آن حباب فیلتر می‌گویند. طبق این نظر شبکه‌های اجتماعی موبایلی کاربر را در معرض اطلاعاتی قرار می‌دهد که برای وی خوشایند باشد و در این زمینه عضو گروه‌های می‌شود که به لحاظ ذهنی و سلیقه‌ای با وی مطابقت داشته باشد (بیات، ۱۳۹۳: ۱۲۷). رویکرد دوم، در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی که دیدگاه

^۶Naiy

^۷Erbering

افراطی قبل را رد می‌کند دارای یک دیدگاه میانجی است. این رویکرد به کاربر این امکان را می‌دهد که براساس تجربه کاربری خود از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی استفاده کند. بنابراین طبق این دیدگاه شبکه‌های اجتماعی موبایلی برای تثبیت و تقویت موقعیت خود در بازتولید معنا استفاده می‌کنند (Lister, 2009:p-27). به عبارت بهتر نظریه بسیج و تقویت در زمینه رسانه‌های اجتماعی مجازی به طور توأمان اجرا می‌شود. در ارتباط با موضوع کارکردها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی در بازسازی معنایی می‌توان به مطالعاتی در این زمینه اشاره نمود. از جمله پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است و به موضوع مقاله نزدیک است عنوان پژوهشی است که محسن نیازی و همکارانش در سال ۱۳۹۵ انجام داده‌اند. هدف این پژوهش شبکه‌های اجتماعی مجازی است که با رویکرد هابراما سی صورت گرفته است. کیانیپور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که شبکه اجتماعی فیسبوک از طریق بروز خود واقعی و تخلیه عاطفی، کسب توانمندی‌های روز و احساس جهان وطنی در بین کاربران، باعث تقویت ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش بینام (۱۳۹۳) در بین دانشجویان نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های مجازی و کاهش گرایش و اعتقادات دینی و میزان پایبندی دینی رابطه وجود دارد. سپهری (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی نشان داد که شبکه اجتماعی فیسبوک به تغییراتی در سبک زندگی جوانان در زمینه‌هایی چون: اوقات فراغت، توجه و گرایش به بدن، نحوه پوشش، شیوه محاوره و سبک بیان، ایجاد شرایط برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و کسب توانمندی‌های روز در نگرش به فضای جهانی شده است. گل محمدی (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان گفتگو در دنیای مجازی؛ تأثیر فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در گفتگوی میان فرهنگ‌ها» معتقد است با اینکه فضای مجازی باعث ارتقاء و امکان برقراری ارتباط و دادوستد اطلاعات می‌شود و این امر امکان گفتگو را ارتقاء می‌دهد. اما به علت توزیع نابرابر امکانات و لوازم مرتبط، وضعیت‌های خاص شبکه‌های اجتماعی موبایلی باعث محدودیت در تعامل و گفتگو می‌شود. صمد عدلی پور (۱۳۹۳) در پژوهش «تأثیر شبکه اجتماعی فیسبوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان» به حفظ

هویت فرهنگی جوانان در شبکه‌های اجتماعی موبایلی می‌پردازد و رابطه حضور و تعامل در شبکه‌های اجتماعی فیسبوک را مورد مطالعه قرار می‌دهد. علیرضا جوادی نیا (۱۳۹۲) در پژوهش «الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند» بیشترین دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را توسط جوانان ارتباط با دوستان قدیمی می‌داند. نتایج این مطالعه نشان داد، در صد قابل توجهی از شرکت کنندگان در شبکه‌های اجتماعی مختلف عضویت داشته‌اند. لذا ارتقاء کیفیت آموزشی و فرهنگی این گونه شبکه‌ها به منظور استفاده صحیح و بهینه دانشجویان شده است. اما مطالعاتی که در خارج از کشور صورت گرفته است نخست، مطالعات ویسرز و کویتیلیر^۸ (۲۰۰۸)، دیمیتروا^۹ (۲۰۱۱) و بکافیگو و مک برید^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که کاربران برای انتخاب مطالب و محتوای خود در اینترنت هدفمند اقدام می‌کنند و در به دست آوردن آن دچار سردرگمی نمی‌شوند آنها فعالانه به دنبال محتوای مناسب برای مشارکت در گروه‌های اجتماع مجازی می‌گردند. این امر در زمان انتخابات مشهود است که رابطه استفاده از شبکه‌های موبایلی به نوع استفاده و محتوای آن بستگی دارد که کاربر دنبال می‌کند. دوم، تحقیقات ولمن و همکارانش در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی در سرمایه اجتماعی است که در آنجا گریزی نیز به نقش شبکه‌های موبایلی و مشارکت می‌زنند. ولمن و همکارانش در مقاله‌ای به نام «آیا اینترنت سرمایه اجتماعی را کاهش یا افزایش یا تکمیل می‌کند؟»^۱ به نقش مکملی اینترنت در زندگی روزمره می‌پردازد و معتقدند ارتباطات اینترنتی مکمل ارتباطات واقعی ما در زندگی است ما می‌توانیم از ظرفیت اینترنت برای خلأهای زندگی استفاده کنیم.

زیزی پاچریسی^۲ نیز به تبعیت از مارک پاستور^۳ نگاه انتقادی به نقش اینترنت و شبکه‌های موبایل محور در گفتگو و حوزه عمومی دارد. وی در سال ۲۰۱۱

^۸Vissers & Quintelier

^۹Demitrova

^۱ Bekafigo & Mcbrid 0

^۱ Does the Internet increase, or supplement social capital?

^۱ Zizi Papacherisi 2

^۱ Mark Pasteur 3

به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حوزه فرهنگ و هویت جامعه می‌پردازد با کمی تعدیل تر این نگاه را در خصوص شبکه‌های اجتماعی مجازی هم دارد. «هویت‌های چندگانه و چند پاره کاربران در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و ایجاد خود قوی کاربر در این سایت‌ها امکان پذیرش دیگری، قواعد بازی و محتوای پیامش را کاهش می‌دهد» (Papacharisi, 2011: p-314).

بررسی وضعیت کاربران رسانه‌های اجتماعی و نرم افزارهای پیام رسان موبایلی عنوان پژوهشی است که مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center) در سال ۲۰۱۵ انجام داده است. هدف این پژوهش شناسایی میزان و نوع استفاده کاربران پیام رسان موبایلی و مقایسه آن با برخی از گونه‌های پرکاربرد رسانه‌های اجتماعی در جامعه آمریکا پرداخته شده است. این پژوهش بیانگر رشد صعودی کاربران پیام رسان موبایلی در هفت سال اخیر و حتی در برخی موارد پیشی گرفتن از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی است. به نحوی که بسیاری از سایت‌ها را مجبور به طراحی نرم افزاری برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی هوشمند یا به تعبیری، شبکه اجتماعی موبایلی کرده است. پژوهش/میرژانوف (۲۰۱۷) در خصوص شبکه‌های اجتماعی جامعه مدنی قزاقستان و چین بیانگر این است که ظرفیت‌های منبعث از ویژگی‌های فنی شبکه‌ها چون گستره پوشش جهانی، آزادی در ارسال و دریافت اطلاعات، تعامل و دوسویگی بین کاربران باعث توسعه فعالیت مدنی کشورها شده است. با همین نگاه ویرا و فریرا^۴ (۲۰۱۷) در برزیل نیز بیانگر این است که ظرفیت‌هایی چون هزینه پایین خدمات در شبکه‌ها، تنوع کاربران و دسترسی آسان به آنها، فضای حمایتی کاربران از نهادهای مدنی و غیره در شبکه‌ها باعث رونق روابط اجتماعی می‌شود. نوریس^۵ نظریه تقویت معتقد است «از آنجا که اینترنت و رسانه‌های وابسته به آن (مالک، توزیع کننده و ارائه دهنده رسانه‌های اجتماعی) در دست صاحبان قدرت و سرمایه داران هستند بر محیط آنلاین نیز کنترل دارند و از آن در راستای تقویت بنیه و توان خود در جامعه استفاده می‌کنند (Norris, 2002: p-18). طبق این نظریه

¹ Vera and Freira

4

¹ Norris

5

قدرت شبکه‌ها از آن حاکمیت است. در این زمینه نظریه جایگزینی نیز بر جایگزینی ارتباطات دیجیتالی بر ارتباطات میان فردی در زندگی واقعی می‌پردازد و معتقد است که هرچقدر فرد در فضای مجازی وقت خود را سپری کند به همان اندازه از فضای واقعی جامعه دور می‌شود. شهروندانی که وقت زیادی در رسانه‌های اجتماعی اصرار می‌کنند، نمی‌توانند برای ارتباط در فضای واقعی وقت زیادی صرف کنند (Putnam, 2002: p-9). رویکرد سوم یک رویکرد بینامتنی بر مبنای ظرفیت و چالش است که می‌توان آن را در آثار ولمن (۲۰۰۲ و ۲۰۱۲)، کاستلز (۲۰۰۹ و ۲۰۱۲) و زینب توفیکچی (۲۰۱۷) دید. این رویکرد جنبه کاربردی دارد و به کاربر این امکان را می‌دهد که بر اساس تجربه کاربری خود از ظرفیت‌های این رسانه‌های جدید برای فعالیت‌های مدنی استفاده و از چالش‌های آن پرهیز کند. از پیشگامان این بحث بری ولمن آست. وی معتقد است: «به جای تمرکز بر نقش مثبت و منفی اینترنت در تعاملات اجتماعی و میان فردی؛ می‌توان بیان کرد که اینترنت به روش‌های سنی ارتباطات می‌افزاید و آن را تکمیل می‌کند» (Rainie & Barry, 2012: p-248). کاستلز نیز در آثار خود ضمن اینکه با نگاه فرصت‌گرایانه معتقد است که شبکه‌های اجتماعی ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند و ریخت ساختارانه جدیدی به آنها اعطا می‌کنند به نقش منفی و چالش‌هایی چون اسلکتیویسم نیز می‌پردازند (Castells, 2004: p-89).

در راستای همین دیدگاه مطالعه کیگو و کاوازاکی (۲۰۱۴) در ژاپن بیانگر این است که شبکه‌های اجتماعی توأمان دارای ظرفیت‌هایی چون ارتباط با مخاطبان گسترده و دسته‌بندی نظرات آنها، گسترش فعالیت‌های اجتماعی و ارتباط تعاملی کاربران و چالش‌هایی چون ضعف استفاده حرفه‌ای کنشگران از شبکه‌ها و ضعف امنیت مجازی و تجاوز به حریم خصوصی کنشگران هستند. در مجموع با توجه به اندیشه‌ها و مطالعات مطرح شده می‌توان بیان داشت که شبکه‌های اجتماعی علاوه

¹ Barry Wellman 6

¹ Kigo and Kawasaki 7

براینکه دارای ظرفیت‌هایی برای توسعه روابط اجتماعی هستند چالش‌هایی نیز دارند که باعث تضعیف ارزش‌ها و امنیت کاربران می‌شود.

پژوهش «شبکه‌های اجتماعی موبایلی و گفتمان دموکراتیک؛ بررسی چشم‌انداز تالارهای گفتگو آنلای بر گسترش حوزه عمومی در جامعه دموکراتیک مدنی» که توسط لینکلن دالبرگ^۱ در سال ۲۰۰۱ انجام شد. هدف وی از این مطالعه جایگاه شبکه‌های موبایلی و تالارهای گفتگو به عنوان یک رسانه اجتماعی در جامعه مشارکتی است. در مجموع می‌توان گفت این پژوهش بیانگر این است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نرم افزارهای پیام رسان موبایلی در حوزه گفتگو دارای وجه امکان و امتناع است. همچنین لانگ^۲ و همکارانش در سال (۲۰۰۷) در مطالعه خود با عنوان «تأثیر اینترنت بر تقویت تعامل و هویت یابی کاربران جوان» به تأثیرات اینترنت در شکل‌گیری هویت فردی نوجوانان چینی می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان داد که کاربرد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موبایلی نه تنها بر چهار بعد از رشد هویت تأثیر گذاشته است، بلکه شیوه‌های جدیدی از درک صورت‌بندی هویت نیز در میان آنان مشاهده شده است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق رویکرد کیفی با تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته برای شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی از طریق روش تحلیل مضمون می‌باشد. یکی از تکنیک‌های مصاحبه کیفی روش نیمه ساخته شده است تا انگیزه برای بحث عمیق‌تر را فراهم نموده و جنبه‌های مختلف و جدید موضوع را کشف نماید. مصاحبه نیمه ساختار یافته با صاحب‌نظران و متخصصان دانشگاهی و فعالان حوزه فضای مجازی صورت گرفت. جمعیت آماری در این مرحله شامل صاحب‌نظران و متخصصان دانشگاهی بودند. برای تعیین حجم نمونه و انتخاب مشارکت‌کنندگان از اشباع نظری استفاده شد. در این روش نمونه‌گیری که خاص تحقیقات کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی

¹ Lincoln Dahlberg

¹ Lang

بستگی دارد، به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده شده یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع به اندازه‌ای با یکدیگر شباهت دارند و منجر به تکراری شدن پاسخ‌های مصاحبه شده و داده‌های جدیدی در آن وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (گال، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

در واقع اشباع اطلاعاتی؛ ملاک خاتمه نمونه‌گیری است. در مجموع با ۲۰ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه شد، زیرا داده‌های گردآمده تکراری شدند و طبقات اطلاعاتی جدیدی به دست نیامد و به این ترتیب محقق به اشباع نظری دست یافت. کر سول^{۲۰} نیز ۲۰ نفر را برای انجام یک نظریه داده بنیاد خوش ساخت مناسب می‌داند (کر سول، ۱۳۹۸: ۱۵۵). پس از بررسی مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. همچنین نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در این مرحله به صورت هدفمند و از شیوه نمونه‌گیری با حداکثر تنوع استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به آن نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفدار نیز می‌گویند به معنای انتخاب هدفدار واحدهای پژوهش برای کسب اطلاعات و دانش است (Holloway, 2010). (p-54) در خصوص نمونه‌گیری با حداکثر تنوع نیز برای این استفاده شد که با توجه به ابعاد و ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی موبایل محور نمونه انتخابی مورد نظر مشارکت‌کنندگان با ویژگی‌ها و دیدگاه‌های مختلف (موافق و مخالف) انتخاب شوند.

یافته‌های تحقیق

یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر به مدد تلفن همراه هو شمند در بین کاربران جهان رونق فراوانی داشته‌اند، نرم افزارهای پیام رسان تلفن همراه هستند. ویژگی بارز این رسانه در مقابل دیگر گونه‌های رسانه‌های اجتماعی روابط شخصی‌تر و خصوصی‌تر کاربران در مقایسه با گونه‌های دیگر به ویژه شبکه‌های اجتماعی است. این پیام‌رسان‌ها محصول نیاز جامعه به ابزارهای جدید ارتباطی برای برقراری ارتباطات جدید بین کاربران است (خجیر، ۱۳۹۶: ۲۳).

در مصاحبه نیمه ساختار یافته برای پردازش داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. این روش، شیوه مناسبی برای تحلیل الگوها و مضامین، گزارش دهی در

² Cresol

داده‌ها، سازماندهی و توصیف مضامین است. در این مقاله مضامین و الگوها مبتنی بر داده‌ها به روش استقرایی و ترسیم الگوها و مضامین از طریق نظریه‌ها به روش قیاسی صورت گرفت. براساس این دو شیوه نخست متن مصاحبه‌ها خلاصه و جزئیات و مفاهیم پیچیده آن خلاصه و برجسته شد و سپس مقوله‌ها و مضامین قوی‌تر شکل گرفت (Braun&Clarke,2006:p-87). برای کدگذاری و استخراج مضامین نیز از تحلیل قالب مضامین کینگ (۱۹۹۸) استفاده شد. ویژگی کلیدی این روش، سازماندهی سلسله مراتبی و گروه بندی مضامین پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطوح بالاتر آنهاست.

از طرفی تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و اعتبار بخشی به یافته‌های پژوهش ۵ مقوله اصلی را به عنوان عناصر تشکیل دهنده فرایند مورد مطالعه، تعیین نموده است. براساس مفاهیم ذیل، مجموعه فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی و ایجاد معنا سازی را تشکیل می‌دهند: ۱-کارکردهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی ۲-ظرفیت شبکه‌های اجتماعی موبایلی ۳-کژکارکردها ۴-چالش‌های ۵-معناسازی می‌باشد.

فهرستی از مقوله‌های اصلی به همراه زیر مقوله‌های فرعی متناظر درج شده است. گزاره‌های توسعه یافته طی رویه‌های کدگذاری محوری و انتخابی، روابط میان مقوله‌های اصلی را اینگونه معین می‌کند:

جدول شماره ۲- تعداد کد و مضامین فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی
موبایل محور از دیدگاه صاحب‌نظران

مقوله اصلی	زیر مقوله	زیر مقوله فرعی
فرصت‌ها	کارکردهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی	انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی تقویت شبکه‌ها و شبکه‌سازی
		تقویت ارتباطات میان فردی
		ار تباطات مجازی (تلگرام، فیسبوک، توئیتر و...) طرح موضوعات تابو (ایدز، رابطه نامتعارف و...)
		بسیج‌سازی
		آموزش
		تبلیغات
		تبلیغات فراگیر تبلیغات با هزینه اندک
		شفاف‌سازی
		جریان‌سازی
		کمپین‌سازی
کمپین موفق (همفکران در یک پلتفرم عمق‌یاد و نظرات خود را به اشتراک می‌گذارند) مطالبه‌گری از دولت تجزیه و تحلیل براساس فعالیت کمپین‌ها		
سنجش افکار عمومی	گرفتن بازخورد مردم به شکل مستقیم	
آگاهی بخشی	خودآگاهی جمعی خودآگاهی مسئولین	

داوطلبان			
انتشار اخبار و اطلاع رسانی	جایگزین رسانه‌های رسمی		
تقویت ارتباطات میان فردی	تولید دانش مدنی		
بسیج‌سازی و مشارکت اجتماعی			
آموزشی	تقویت قدرت اجتماعی		
تبلیغاتی			
شفاف‌سازی			
سنجش افکار عمومی			
آگاهی بخشی			
همسازي سلايق			
استعدادیابی			
نقطه اشتراك هنري و فرهنگي			
تنوع ذائقه و سليقه			
ضريب نفوذ بالا در ميان کاربران			
تلگرام			
تعاملی بودن شبکه‌ها و نرم افزارها	کشف علایق مشترک		
طبقه بندی هواداران و همفکران		ظرفیت شبکه‌های اجتماعی موبایلی	
آرشیو و ذخیره‌سازی اطلاعات			
ارتباط بین کاربران و ایجاد حلقه ارتباطی			
تقویت سرمایه اجتماعی و انسانی			
گسترش پوشش پیام			
عدم سانسور و تحدید پیام	جریان آزاد اطلاعات		
عدم شکاف اطلاعاتی			
افزایش قدرت انتخاب اطلاعات			

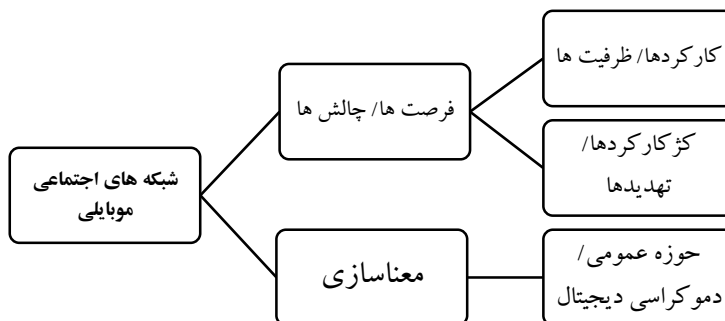
افشاگری و بازتابندگی			
ضریب نفوذ بالا در بین کاربران تلگرام تنوع مخاطبان در شبکه‌ها تعدد پیام رسان‌ها	تنوع و کثرت کاربران		تهدیدها و پیامدها
اخبار منفی شایعات تخریب فضای عمومی سرریزی اطلاعات سلبریتی‌سازی فردگرایی سیاست و اجتماع حباب گفتگو خودنمایی و ارائه	کارکردهای منفی شبکه‌ها	کژکارکردهای شبکه‌های اجتماعی	
سیاست فیلترینگ (فیلترشکن) فقدان امنیت در فضای مجازی فردی کردن سیاست و اجتماعی پوپولیسم گرایی و توده وارسازی مجازی	ترس از کنترل حاکمیت	چالش‌های شبکه‌های اجتماعی	
شیوع اخبار منفی و شایعه تخریب فضای عمومی همبستگی اجتماعی کاذب سرریزی اطلاعات سلبریتی‌سازی نافرهیختگی و بی‌فرهنگی	غلبه حاشیه بر متن		

<p>حباب گفتگو نقش جایگزین رسانه های رسمی تولید همگانی دانش تقویت قدرت اجتماعی غلبه رویکرد احساسی بر رویکرد عقلانی غلبه حاشیه بر متن کلاهبردای مجازی ترویج نظاره گری به جای کنشگری اشاعه مطالبی کذب و غیر واقعی اعتیاد مجازی</p>	<p>ترویج نظاره گری به جای کنشگری</p>		
<p>مشارکت در تصمیم گیری‌ها توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات ایجاد فرصت‌های برابر مشروعیت بخشی اشتغال زایی و رونق تولید تنوع و کثرت فرهنگی ایجاد فضای همدلی و همنشینی</p>	<p>دموکراسی دیجیتال و مشارکت مردمی</p>	<p>حوزه عمومی</p>	<p>معناسازی</p>

همان‌گونه که در جدول فوق و در قالب مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی بیان شد فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی در قالب مقوله کارکردهای این شبکه‌های هوشمند همچون؛ انتشار اخبار و اطلاع رسانی، تقویت شبکه‌ها و شبکه‌سازی، تقویت ارتباطات میان فردی، بسیج‌سازی، آموزش، تبلیغات، شفاف‌سازی، جریان‌سازی، کمپین‌سازی، سنجش افکار عمومی، آگاهی بخشی، جایگزین رسانه‌های رسمی، تولید

دانش مدنی، تقویت قدرت اجتماعی است. در ادامه کارکردها شبکه‌های اجتماعی موبایلی ظرفیت‌هایی چون؛ کشف علایق مشترک، جریان آزاد اطلاعات، تنوع و کثرت کاربران است. همچنین تهدیدهای این شبکه‌های موبایلی در قالب مقوله کژکارکردها و چالش‌هایی چون؛ کارکردهای منفی شبکه‌ها، ترس از کنترل حاکمیت، غلبه حاشیه بر متن، ترویج نظاره‌گری به جای کنشگری است و در نهایت معناسازی در این فضای مجازی موبایلی معانی چون حوزه عمومی و دموکراسی دیجیتال را ایجاد می‌کنند. براین اساس می‌توان براساس یافته‌های پژوهش مبتنی بر مصاحبه نیمه ساخته شده با صاحب نظران و نخبگان دانشگاهی به فرصت‌ها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی در ایجاد معناسازی به مدل زیر دست یافت.

شکل شماره ۳- فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی موبایلی



رینگولد با نگاه مثبت به این رسانه‌های نوظهور معتقد است که این رسانه‌ها نقش مثبتی در ایجاد اجتماعات مجازی در فضای مجازی و ایجاد فضای اشتراکی آنلاین برای شهروندان دارند. او همچنین معتقد است شکل‌گیری اجتماعات مجازی یک فرصتی برای احیای حوزه عمومی است و متعاقب آن زمینه‌های لازم برای احیای دموکراسی مبتنی بر شهروندی پیش می‌رود (Rheingold, 1993: p-14). بر این اساس رویکردهای خوشبینانه و مثبت به نقش رسانه‌های جدید در پیشبرد گفتگو و معناسازی به اندیشه‌ها و مطالعات بتس و وانگ و آستادان دانشگاه تنسی آمریکا و دانشگاه رینمن چین وجود دارد. این دو اندیشمند معتقدند که شبکه‌های اجتماعی موبایلی، به عنوان یک رسانه جدید، تأثیر گسترده و بالقوه‌ای بر جامعه بسته و تبدیل آن به جامعه دموکراتیک دارد. وانگ و بتس معتقدند تجربه چین در سال‌های اخیر نشان داد که فضای آنلاین به عنوان یک حوزه عمومی عمل می‌کند که شهروندان عادی می‌توانند در مورد امور عمومی گفتگو کنند، آن را به چالش بکشند، نظر دهند و در مورد نظر خود دلیل بیاورند. آنها قبلاً به سختی در فضای واقعی می‌توانستند به این کار بپردازند. هرچند هنوز نیز آداب حضور در این فضا را نمی‌دانند و در برخی مواقع دچار یک سردرگمی شدید می‌شوند. یورگن گردهاردس اندیشمند دیگری است که در سال ۲۰۱۰ با بررسی تطبیقی جایگاه گفتگو و الگوپذیری را در رسانه‌های

² Benjamin Bates 2

² Chunzhi wang 3

² Jürgen Gerdhards 4

جمعی و رسانه‌های تعاملی به نقش مثبت اینترنت و رسانه‌های جدید موبایل محور در گفتگو اشاره دارد (Dahlberg, 2001:p-65). انتج گیلمر^۲ نیز با تأکید بر مدل دموکراسی دیجیتال، سیلابین حبیب و حوزه عمومی هابرماس معتقد است شبکه‌های اجتماعی موبایلی می‌تواند یک ابزار سیاسی کارآمد برای دموکراسی باشد اگر دولتمردان به این اعتقاد برسند.

² Antag Gilmer

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد تا با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران و کارشناسان دانشگاهی در مورد شبکه‌های اجتماعی موبایلی به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پاسخ داده و بازسازی معنایی کارکردها و چالش‌های شبکه‌های موبایلی را در نظرات صاحب‌نظران مورد واکاوی و مطالعه قرار می‌دهد. زمانی که اولین تلفن‌های موبایل مدرن، موبایل‌هایی که علاوه بر قابلیت مکالمه، امکان ارسال پیام متنی به آنها اضافه شده بود که به وسیله استانداردهای جهانی ارتباطات موبایلی تأیید و معرفی شدند (Agar, 2013). با توجه به پارادایمی که به عنوان مدل از یافته‌های تحقیق کیفی حاصل از مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران به دست آمد (شکل شماره ۳) کارکردها و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایلی را در ۵ مقوله اصلی و 25 زیر مقوله دسته‌بندی و تحلیل کردید. یافته‌های تحقیق نظری (۱۳۸۹) قادرزاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز گویای آن است که استفاده از رسانه‌های نوین، عرصه جدیدی برای تسهیل و تقویت تعاملات و اطلاعات یا جبران محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زندگی اجتماعی مخاطبان بوده است. در واقع این عوامل جهانی سرشار از ارزش‌ها و باورهای شخصی و جمعی تازه‌ای به وجود می‌آورند که انتخاب‌های متعددی را برای معنا سازی از فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی به وجود آورده است. در این شرایط کاربران در بین تجارب جدید نشأت گرفته از شبکه‌های اجتماعی مجازی، باید دست به تفسیر و بازسازی معنا بزنند. همانگونه که در پژوهش مک براید (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که کاربران برای انتخاب مطالب و محتوای خود در اینترنت هدفمند اقدام می‌کنند و در به دست آوردن آن دچار سردرگمی نمی‌شوند آنها فعالانه به دنبال محتوای مناسب برای مشارکت مدنی و سیاسی می‌گردند. کاستلز با تأکید بر نظریه جامعه شبکه‌ای بر این باور هستند که: «امکانات شبکه اجتماعی موبایلی به روند شبکه‌سازی جامعه کمک می‌کند و باعث تحولات و تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌شود. کاربران می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی

² Bekafigo & Mcbrid 6

² Castells 7

موبایلی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود بپردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان صدای مردم شکل می‌گیرد و هریک می‌توانند در مخالفت با یک مسئله و موضوع اجتماعی سیاسی دست به کنش مناسب بزنند. شبکه‌ها به دلیل انتشار اطلاعات فزاینده، تبلیغات بی حد و حصر، مدیریت افکار عمومی و غلبه محتوای سرگرمی و غیر سازنده باعث تباهی و تضعیف حوزه عمومی شده‌اند. نوریس در سال ۲۰۰۱ در نظریه تقویت معتقد است که شبکه‌های اجتماعی باعث تقویت قدرت سیاسی در مقابل قدرت اجتماعی و مدنی می‌شوند. سلطه حاکمیت بر فضای مجازی و نابرابری امکانات و تجهیزات باعث تقویت امر سیاسی بر دموکراسی و عدالت می‌شود. پاتنام در سال (۲۰۰۰) با حضور و سپری کردن زمان کنشگر در فضای مجازی باعث دور شدن وی از فعالیت‌های روزمره در دنیای واقعی می‌شود. کنشگران فعال به دلیل حضور بیش از اندازه در فضای مجازی ناتوان از حضور در فضای واقعی هستند. همچنین فضای مجازی بازیگران و کنشگران را از تعاملات واقعی دور می‌سازد. رینگولدز نظریه پشتیبانی و بسیج (۲۰۰۰) معتقد است که شبکه‌های اجتماعی فرصت مشارکت را برای کنشگران مدنی فراهم می‌کند و آنها را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بسیج می‌کند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل ظرفیت اطلاع رسانی بالا و سرعت انتشار بالا، موجب کاهش هزینه‌های کاربران و شبکه‌سازی باعث تقویت تعاملات می‌شود. با توجه به آراء هابرماس در حوزه عمومی، کنش ارتباطی و نظریه جامعه شبکه‌ای می‌توان به نقش اساسی گفتگو در این حوزه‌ها پی برد. در این میان فضای مجازی، اینترنت و رسانه‌های مبتنی بر آن همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی و نرم افزارهای پیام رسان موبایلی می‌توانند نقش اساسی در تحقق گفتگو و پیش زمینه‌های آن داشته باشند. «شبکه‌های اجتماعی به مثابه یک رسانه جدید بستر مناسبی برای ظهور و تجلی گفتگو است. افراد می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه خود بپردازند (مهدی زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۱). صاحب‌نظران

کارایی و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی موبایل محور؛ در بازسازی معنایی فضای... // ۸۵

فرصت‌ها و چالش‌های منفی شبکه‌های اجتماعی موبایلی را جزء موارد کارکردها و کژکارکردها در بازسازی معنایی در شبکه‌های موبایلی می‌دانند.

منابع

۱. بیات، قدسی، (۱۳۹۲)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه شبکه‌ای: زمینه‌ها، ویژگی‌ها و کاربردها»، در مجموعه مقالات رسانه‌های اجتماعی، به همت حسین بصیریان جهرمی، تهران، مطالعات و برنامه ریزی رسانه.
۲. پوتنام، رابرت و دیگران (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکبازو حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
۳. هابرماس، یورگن، (۱۳۹۴)، «کنش ارتباطی»، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز.
۴. خجیر، یوسف، (۱۳۹۵)، «ظرفیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی موبایل محور در جامعه ایرانی»، در مجموعه مقالات کتاب «تلفن همراه هوشمند و سبک زندگی»، ج ۱، تهران، انتشارات پژوهشگاه.
۵. فریز، نانسی، (۱۳۸۲)، «بازاندیشی عرصه عمومی، مطالعات فرهنگی»، ویراسته سایمون دورینگ، ترجمه شهریار وقفی پور، تهران، انتشارات تلخون.
۶. ون دایک، جانو (۱۳۸۴)، «قدرت و سیاست در جامعه شبکه‌ای»، مترجم اسماعیل یزدان پور، فصلنامه رسانه، شماره ۶۲، تابستان صص ۱۶۱-۱۲۱.
۷. کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ»، ترجمه: حسن چاووشیان، جلد دوم، تهران. طرح نو.
۸. کاستلز، مانوئل، (۱۳۹۳)، قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۹. کرسول، جان دبلیوف، (۱۳۹۸)، «طرح پژوهشی؛ رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی» مترجم: علیرضا کیامنش، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. گال، مردیت والتر بورگ و جویس گال (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. (مترجم احمد رضا نصر. همکاران. جلد اول.
۱۱. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۴)، جامعه اطلاعاتی: اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

۱۲. میناوند، محمد قلی، (۱۳۸۵)، «اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک»، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۲.
۱۳. هابرماس، یورگن، (۱۳۹۴)، «کنش ارتباطی»، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز.

منابع لاتین

1. Agar.J(2013),constant touch- aglobal history of the mobil phon cambriolge.icon ooks. -
- Braun,S&schmite,a(2006), socially- aware informal learning support: potentioals and challenges of the social dimaension. Retrieved, July2.from
2. <http://ftp.Information.Rwth-Aachen.de/publication/CEUR-WS/VOI-213/paper22/pdf>.
3. -Castells,M.fernandez-Ardevol M, Llinchuan Qiu J and Sey A (2006), mobile communication and society: Aglobal perspective. Cambrige, MA: MTI press.
4. -Creswell, John,(2007), Qualitative inquiry and research desinge: choosing aming five approaches, sage, pp 201-220.
5. -Duggan,Maeve, (2015), Mobile Massaging and social Media, pew research center. Retrieved Aug.
6. -Dahlberg, Lincoln,(2001), the internet and democratic discourse: Exploring the prospects of online Deliberative Forums extending the public sphere,Journal information, communication &society Volume Auge25.
7. -Lister,Martin& et al,(2009),. New Media:a Critical Introduction: Routledge.
8. -Gaiser,Wolfgang & Rijike,John(2008), political participation of Youth young.
9. -Marshall,D.J. and staeheli,L,(2015), Mapping civil socity with social network.
10. -Mayfield,A.(2008),Kwhat is social media?, Retrieved 19, from crossing.
11. -Outwaite, William(2000), the Habermas reader, policy,press.

12. -Norris, P, (2002), Digital Divide? Civic Engagement information poverty and the internet in Democratic phonix: political Activism Worldwide. New York:cambrige university press.
13. -Rheingold.Howard(1993), the virtual community: homesteading on the electronic frontier. Reading, Massachusetts:Addison-wesley.ISbn-210.
14. -Putnam,R.D.(2000), Bowling Alone: the collapse and Riveval of American community: New York: simon &Schuster.
15. -Papacharissi,Zizi(2002),the virtual Sphere:the internet as a public sphere, New madia&society Volume:4 issue:1 page:9-27.
16. -Wellman,B(2001), Does the internet increase, decrease, or supplement socialcapital? American Behavioral Scientist,436-455.
17. -Wellman,B.(2002), ,Little Boxes globalization and Networked individualismll. The series lecture notes in computer science.10-25.
18. -Wang,H, & wellman,B,(2010), social connectivity in America: change in adult friendship network size from 2002 to 2007, American Behavioral scientist,53.